
ارونقی کرمانی، رسول

شبی که سحر نداشت / رسول ارونقی کرمانی. ---
تهران: فرایندگان با همکاری بدرقه جاویدان، ۱۳۸۳.
۵۲۰ ص.

ISBN: 964 - 93716 - 3 - 3

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. داستانهای فارسی --- قرن ۱۳. الف. عنوان.

ش ۸ ر / ۷۹۵۲ BSR ۸ فا ۲ / ۶۲

۱۳۸۳

کتابخانه ملی ایران ۴۱۴۱۲ - ۸۳ م

شبی که سحر نداشت

رسول ارونقی کرمانی



تهران - ۱۳۸۲



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

گروه فرهنگی انتشاراتی فرادیدنگار

خیابان سهروردی شمالی، هویزه شرقی، شماره ۵۳، طبقه دوم، واحد ۵

تلفکس: ۸۵۰۳۲۳۹-۴۱

X شبی که سحر نداشت

- | | |
|----------------------------|--------------------|
| ✓ نویسنده: ارونقی کرمانی | ✓ تیراژ: ۲۲۰۰ جلد |
| ✓ نمونه خوان: اقرا انتظاری | ✓ حروفچینی: گنجینه |
| ✓ حروفنگار: ناهید خدابنده | ✓ لیتوگرافی: البرز |
| ✓ طراحی جلد: قلی زاده | ✓ چاپ: سعدی |
| ✓ نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴ | ✓ قیمت: ۵۱۰۰ تومان |

✓ کتابخانه ملی ایران ۴۱۴۱۳ - ۸۳م

✓ شابک ۵-۵-۹۵۷۱۶-۹۶۴

X با همکاری انتشارات بدرقه جاویدان

X فروشگاه: خیابان ولیعصر - نبش دکتر فاطمی - انتشارات بدرقه جاویدان

X تلفن فروشگاه: ۴ - ۸۹۷۵۵۸۱

X تلفن مرکز پخش: ۶۴۱۱۵۰۸

کلیه حقوق این اثر متعلق به ناشر بوده
و هرگونه استفاده از آن
بدون مجوز ناشر ممنوع می باشد.

قلمی تأثیرگذار، از نویسندہ‌ای نام آشنا...

پس از انتشار رمان زیبا و به یادماندنی «بابا نان داد» نوشته نویسندۀ پیش‌کسوت و نامدار معاصر «ارونقی کرمانی» و با توجه به استقبال بی‌سابقۀ رمان‌خوانهای خوب و دوستان همیشگی از آن، بر آن شدیم تا رمانی دیگر که با قلمی شعرگونه و بسیار دل‌انگیز نگاشته شده را از این نویسندۀ نام آشنا در اختیار خوانندگان صمیمی رمانهای ایرانی قرار دهیم.

تاریخ ایران زمین از نام دلاورمردانی که جان بر کف با سینه‌ای مالا مال از شجاعت، شهامت و جسارت بر قلب لشکریان دشمن این آب و خاک اهورایی، باستانی و دیرین تاختند، موج می‌زند... در تاریخ باشکوه و سراسر افتخار این مرز و بوم، نام بسیاری از سرداران بزرگ سپاه ایرانیان با نام زیبا و خوش‌آهنگ و پرچم سه‌رنگ و افتخارآفرین کشورمان ایران، عجین گشته است.

شاید در بسیاری از روایتها و کتابهای تاریخی ایران، نام گروه کثیری از این سلحشوران ذکر شده و گوشه‌هایی از رشادتهای آنان آمده باشد، اما در کمتر کتابی به قصۀ سرنوشت آنان پرداخته شده... آنان نیز در سینه ستبرشان که سرشار از شهامت و غیرت وطن‌پرستی بوده، قلبی عاشق می‌تپیده که ایشان را به دفاع از ناموس و عشقشان وامی‌داشته...

«شبی که سحر نداشت» قصّه آن عشقهاست... قصّه عشقِ یکی از بزرگترین سردارانِ تاریخ ایران زمین که علاوه بر رشادتهایش در میادین جنگ، عشقی پرشور، زندگی دلاورانه‌اش را با رنگی به‌زیبایی محبت و عشق رنگ‌آمیزی کرده بود.

«ارونقی کرمانی» اینبار نیز با قلم سحارش، قصّه‌ای شیرین بر سینه سپید دفتر عشق بر جای گذاشته که تا سالیان دراز سینه به‌سینه و دست به‌دست خواهد گشت.

مگر نه اینکه «شب عاشقان بی‌دل، چه شبی دراز باشد...!» پس قصّه «شبی که سحر نداشت» هم، داستانی از همان شبهای عاشقان بی‌دل است.

دست «ارونقی کرمانی» را به‌گرمی می‌فشاریم. به‌او خسته نباشید می‌گوئیم و در انتظار رُمان دیگری به‌قلم توانای او می‌نشینیم.

اینست قصه‌ای از آن روزگاران...

مهرداد انتظاری

مدیر انتشارات فرادید نگار

تهران - شهریور ۱۳۸۳

دوستان صمیمی

برای کسب اطلاع از فعالیتهای ما در گروه فرهنگی،
انتشاراتی فرادیدنگار از سایت اینترنتی زیر دیدار کرده
و ما را از نظرات مفیدتان بهره‌مند سازید.

www.mentezari.com

E-mail: info@mentezari.com
